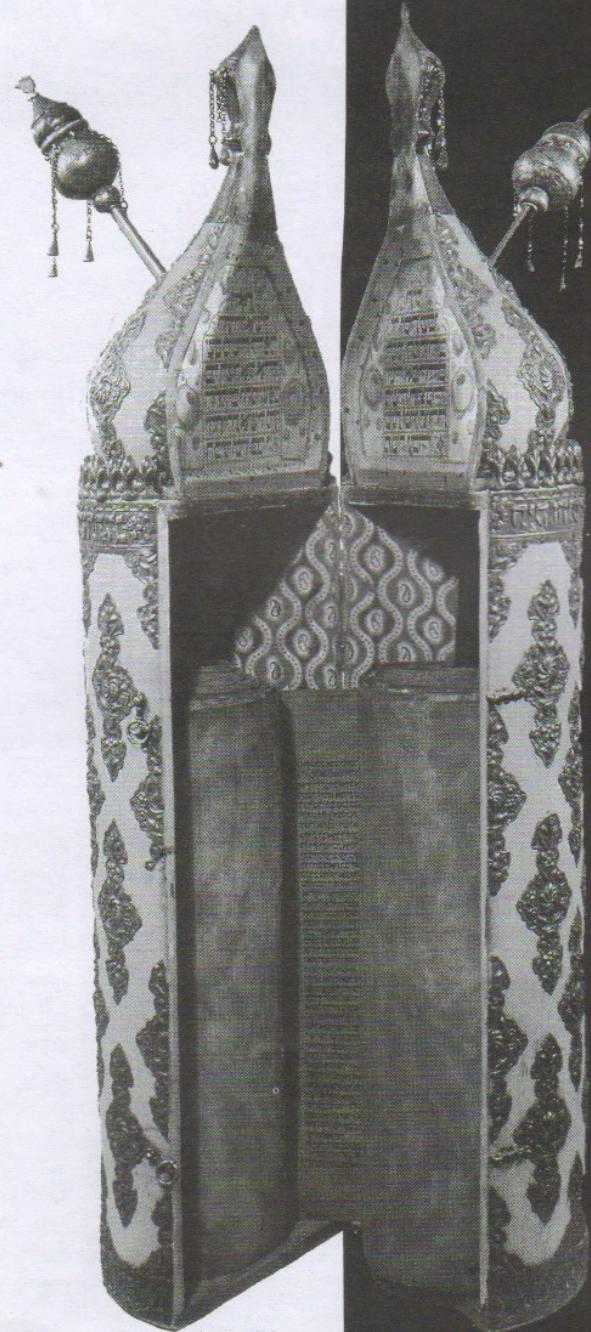


خوشنویسی عربی، هنر مقدس و ستی آئین یهود

(بخش اول)



مطلوب ذیل گزیده‌ای از پایان نامه کارشناسی ارشد مریم فدایی با عنوان خوشنویسی، هنر مقدس از منظر ادیان می‌باشد.

مقدمه :

هنر نگارش در برخی از اعتقادات دینی ملت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. مانند اسلام که در محدوده هنر دینی برای تجسم بخشی به کلام الهی به کار رفته و به عنوان موضوع الهام استفاده کرد «او» مفاد متون نیست پس خدا را در هیچ نام ثبت شده‌ای در متون نمی‌بینیم و خدا در ذاتش، خدای پنهان در ذات خود است و فقط با «كلمات» می‌توان از او یاد کرد و تورات فقط شامل عبارات و کلمات بصری نیست بلکه به منزله حلول عقل الهی درون کتاب تورات است و مجموعه شکل حروف عبری در تورات به عنوان نمادی از قدرت خلاقه خداوند است که در عالم فعال می‌باشد. از نظر قبایل، زبان عبری صرفاً ابزاری برای بیان و سخن‌گویی نیست بلکه این زبان بازتاب ذات روحانی جهان است (کل جهان براساس حروف عبری ساخته شده‌اند: تفکر قبایل) کلام دارای ارزش عرفانی است و «كلمه» به خدا باز می‌گردد زیرا از خدا سرچشمۀ یافته و زبان متعارف انسان ریشه در زبان نخستین دارد که از سوی خدا نازل شده است. قبایلیت‌ها معتقدند که اعداد مانند بروج صور فلکی خاصیت تاثیرگذاری و انرژی ویژه‌ای دارند و توسط قدر متعال خلق شده تا وسیله ارتباطی بین خود و جهان مادی باشد و معتقدند برای کشف ارزش‌های عددی کلمات، قادرند بین کلمات ارتباط برقرار کنند همچنین پیشگویی آینده از روی کلمات در جملات امکان پذیر است و این علم با تعالیم تورات مورد توجه علمای یهود قرار گرفت تا جایی که نام خاص خدا در دین یهود (یهوه) یعنی «باشد»، موجود» بسیار محترم است و بر زبان آوردنش و حتی از راه خواندن تورات حرام می‌باشد (یهوه ترکیب چهار حرف «يـهـوهـ» است و مانند «...» در اسلام اسم اعظم است و ترکیب «يـاهـوهـ» از «يهوه» اقتباس شده و واژه «...» در قرآن معادل با لفظ «الوهیم» در تورات است) در دنیا، نام و القاب متفاوتی برای ذکر خدا وجود دارد و بنا به عرفان یهود حروف عبری هر کدام قدرت خاص داشته و بیان صحیح کلمات می‌تواند بر محیط پیرامون تاثیر گذارد بنا به نظر عرفان یهود، آفرینش انسان برای رسیدن به ذات مقدس الهی است و فقط از طریق آموزش

شگفتار :

بن عرفان اسلامی و مسیحی و یهودی
اطله تزدیکی وجود دارد زیرا ریشه‌های
سترک دینی دارند (به قرآنی که فرستادم
بن آورید که تورات شما را تصدیق می‌کند)
سوه بقره: آیه (۴۱) برای شناسایی و درک
نفس کلمه در دین یهود می‌باشد به
تعیین عرفانی و حکمی آن آشنا شد که ریشه
بر آین قبایل^(۱) دارد زیرا قبایل‌ها گرایش
نقی و ماورایی به کلام داشته و کلام را ابزار
بن مخصوص خود خدا می‌دانند و به تصریح
بن گیتاگون، «كلمه» «کلام» و «كلمات» از
حالت
عقلان یهود بیشتر مدیون حکمت قبایل
ست که در کنار دین یهود به تفسیر رمزی و
بن آین دین پرداخته است. آین قبایل حاوی
بن شناخت یزدان و آفرینش‌شناسی
بن پیشترین سند مکتوب این آین، کتاب
بهرجه^(۲) به معنی «روشنایی» می‌باشد این اثر
بن ۱۷ م به زبان آرامی در اسپانیا منتشر

و در ک نام خدا می‌توان به آن رسید و بدون درک و علم کافی نمی‌توان نام خدا را بیان کرد و حتی یکی از ده فرمان تورات بر این امر می‌کند که «نام خدا را بیهوده بر زبان نیاورید» همچنین (در کتاب خلقت یعنی سفر یصرا نحوه ترکیب حروف و کلمات و شکل گیری هستی، بیان شده است) در یهودیت و رای این القاب که بازگو کننده ارتباط خالق و مخلوق است فلسفه‌ی مهم دیگر نیز وجود دارد و آن اثرات بیان و تلفظ صحیح این نام مقدس بر روند زندگی مخلوقات است و به دلیل این حساسیت و تقدس یکی از فرمان‌های صریح و قاطع در یهودیت، بیهوده به زبان نیاوردن اسم خداوند است. از این جهت در نیایش یهود بنا به خواص لغات عبری، کلمات می‌باشد است باقت به زبان آیند تا بتوان به آن هدف از نیایش‌های مختلف در نظرگرفته شده رسید.^(۳) طبق نظر قبایل کلام خدا در حروف عبری خلاصه شده است و هر کدام قدرت خاصی دارند و بیان و تلفظ صحیح کلمات می‌تواند تاثیراتی بر افراد و یا محیط اطراف بگذارد. قبایلیت‌ها برای درک ذات مقدس الهی از فلسفه آفرینش انسان تعلیم می‌گیرند رابطه آن را به یک اشتعه نسبت به خورشید تشییه کرده‌اند که این اشتعه می‌باشد به مبدأ اصلی خود باز گردد که راه بازگشت به مبدأ می‌باشد از خودشناسی شروع شود و سپس از طریق آموزش و در ک نام اعظم خداوند می‌توان در این راه قدم گذاشت، و چون اسامی خداوند در عبری خیلی مقدس بوده و این نام مقدس را نمی‌توان بدون درک و علم کافی بیان کرد از این رو همان طور که ذکر شد یکی از ده فرمان‌های تورات امر بر این دارد که نام خداوند را بیهوده بر زبان نیاوریم، با این نحوه اندیشه بود که علم حروف و اعداد در فرقه قبایلی عربیان با زبان و خط عبری و در جماعت حروفیه با زبان و خط عربی بارور شد و فقط کسانی که صاحب مرتبه طریقت بودند می‌توانستند با علم سیمیا^(۴) در حروف - اعداد - افراد - اشیایی که در نظام کیهان به این اعداد حروف وابسته‌اند تصرف کنند. در سفر پیدایش آمده که خدا با کلام خود می‌آفریند: «در ابتداء خدا آسمان و زمین را آفرید ... و خدا گفت روشنایی شود و روشنایی شد و خدا روشنایی را دید که نیکوست» (سفر پیدایش، ۱: ۱ - ۴) همچنین در کتاب بن سیراخ بیان شده است «خداوند با کلام خود مخلوقات را

بنا گذاشتند و ترتیب حروف ابجد فعلی همان حروف عبری است که در خطوط قرآنی سریانی و آرامی وجود داشت و بعدها هم اعراب حروف ابجد خود را بر بنای الفبای عبری ^۱ قبول دادند و از عبریان هم قباليستها به این شکل بودند که اعداد مانند بروج صور فلکی دارای خصوصیات تاثیرگذار هستند و انرژی ویژگی دارند و به همین دلیل قادر مطلق آنها را خوش کرده تا وسیله ارتباطی بین خود و مخلوقاتی باشد همچنین معتقدند برای کشف ارزش های عددی کلمات قادرند بین کلمات ارتباط پرقرار کنند و با تفسیر و تعبیر حروف عبری به یک سری اعتقادات اصولی ماورایی دست یافته‌اند تفکرات باعث گردید تا علم حروف بعد از موارات تعالیم یهود مورد توجه علمای آن قرار گیرد.^(۵) قسمتی از دوره تحصیلی طلاب یهودی بود و مهارت این طلاب در تفسیر و گاهه کلمات کتاب مقدس با انجام دادن عملی که غیر ممکن به نظر می‌رسد روشی می‌شد زیرا ملاعنه یهودی یک رشته اعداد را که در ترتیب خود از قانون معینی تبعیت نمی‌کنند، پشت سر هم تا پانصد و به بالا شمرده و این کار را تا حد دقیقه ادامه می‌داد، در حالی مخاطب او این کار را ثبت می‌کند بعد از تمام کردن ذکر، دوباره همان اعداد را بدون اشتباه و با همان ترتیب اولی بیان می‌کند همچنین از مضامین مشهور در این حکمت (حروف) می‌توان از اسماء الهی نام برد که از دوره میشنایی تاکید داشتند ^۶ نام خدا هیچ گاه مگر در معبد به صراحت بردند نشود و فقط در شکرگزاری بر زبان جاری شده و با سرودخوانی همراه باشد «دبیای عرفان و رازورزی به چند دلیل مخفی بود یکی این که موضوع مربوط به عظمت خدا را باید در اختیار کسی قرار داد که شایستگی مطالعه و تحقیق داشته باشد حکیمان آگاهی به حروفی که بر پایه آن آسمان و زمین آفریده شد را ابزاری خوانند که به آدمی قدرت می‌بخشد تا در کار آفرینش مشارکت کند حتی گفتمند اگر حقیقت به درستی دریافت شود می‌توان عالمی را آفرید» (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳: ۲۱۲) از آنجا که بخش اعظم کتاب تورات از تقدس کلام خدا سخن می‌گوید و در کتاب بن سیراخ آمده «خداآنند با کلام خود مخلوقات را آفرید» تقدس کلام و حروف در این دین باعث حفظ خط ذات مطلق را مشاهده می‌کنند و به این خط ذات مطلق را مشاهده می‌کنند و به

که خداوند به حضرت آدم (ع) نشان داد. تفکر قباليستها بیشتر در ارتباط با زبان الهی است که با انرژی الهی رابطه مستقیم دارد زبان الهی از دید آنها در کلمات و حروف عبری پدیدار می‌شود و تورات علاوه بر سطح معنایی خود می‌تواند از لحاظ باطنی هم در کشش آنها این سطح پیچیده معانی کلام مقدس را در باطن آن دانسته در تفسیر کتاب مقدس، اعدادشناسی را بسط دادند که در آن اعداد بر حسب (کاربرد عددی الفبای عبری) تصور شده بودند.

ارزیابی:

در خبر آمده که «ان. آزعوجل بهشت عدن را به دست خویش آفرید و تورات را به دست خود نوشت و درخت طوبی را به دست خویش نشاند و آدم را به دست خویش آفرید» (ابن عربی، ۱۳۸۱: ۸۸) «در الواح هر گونه پند و روشنگری در هر باب بر او نوشتیم - اعراف: ۱۴۵: » حروف و اعداد در فرهنگ یهود از دیرباز به عنوان کلیدی در راستای دستیابی به قوانین الهی تورات در جهت کشف اسرار آفرینش و نظام آن اهمیت داشت و آنها این علم را از اجداد سامی نزد خود فرا گرفتند زیرا در گذشته منشا این جستجو بین هندوها، مصریان و کلدانیان بوده و آنها استادان این علم بودند و به راز مخفی اعداد و حروف و چگونگی کاربرد و ارتباط آنها با زندگی آشنا نی داشتند عبریان با استفاده از حروف ابجد و تطابق آن با ارزش‌های عددی که بر پایه ریاضی است پایه اصلی محاسبات را



برای نگارش تورات
کاتبیانی بودند و قوانین
سختی وضع شده بود
و کاتب حق نداشت
مطلوب را از حفظ
بنویسد و حتی باید
قبل از شروع به کار
غسل کند و در حالتی
از خلسه قرار گیرد
تابتواند نام خدا را بر
قلم آورد

پدید آورد و آفرینش فرمان بر اراده اوست» (بن سیراخ، ۴۲: ۱۵). در آغاز دعای حضرت سليمان (ع) آمده «خدای پدران، خدای رحمت، تو که با کلام، جهان را آفریدی ...» (ماسنون، ۱۳۸۵: ۱۶۰) در اندیشه بهود این حقیقت وجود دارد که داشت خداوند یکتا، همان الفبای خلقت است زیرا از نظر قباليستها، حقیقت اصلی آفرینش در خدا است تا جایی که بیان می‌شود؛ «خلقت از «هیچ» وجه ظاهری فعلی است که در خود خدا واقع می‌شود یعنی آشوبی که در این سُوف پنهان از حالت سکون به خلقت رو می‌کند و این آشوب فعل خلق در خویشتن اوست که سر بزرگ اشراق است این آشوب را می‌توان بسان وقفه‌ای در اراده نخستین خدا دانست و اغلب اشرافیون قبل از استعاره‌ای بکار می‌برند و آن لغت عبری «این» یا «إن» به معنی هیچ است که با حرکت آن خدای باطنی و نورش را آشکار می‌کند این تحول بنیادین این سوف کامل توصیف‌نایدیر را به هیچ تبدیل می‌کند یعنی همان تاج الوهیت. نقطه نخستین در هیچی مرکز اسرارآمیزی است که جریانات اشراق در گردش است و این همان نقطه آغاز منشا هستی است و اولین کلمه کتاب مقدس از آن صحبت می‌راند در کتاب زوهر آمده هنگامی که اراده شاه بر خلقت قرار گرفت این سوف مانند غبار و مه از نور در خود تاریکی ساخت هیچ رنگی نداشت بعد رنگ‌ها بوجود آمد و رای این نقطه هیچ چیز شناخته نمی‌شود لذا آن را «رشیت» گویند یعنی همان کلمه اول این خلق عالم یکباره و در یک لحظه در اندیشه او واقع شد در حقیقت چون علم او به موجودات نیازمند معلول نیست پس داشت خداوند همان الفبای خلقت است (شنکای، ۱۳۸۱: ۱۹۷ و ۱۹۸) این نور «این سوف» آغازگر هر گونه تجلی «رشیت» یا «آغاز» نامیده شد و نخستین کلمه‌ای است که تورات با آن آغاز می‌شود معنای آن بی‌انتهایت و انسری جهان است و ذات حقیقی و پنهان خداست و در تمام نظام فکری قبل از نماد نور با توجه به «این سوف» استفاده می‌شود در سفر پیدایش آمده زمانی که اراده خدا محقق شد انواری در خشان آمد و نقطه‌ای ناییدا در خشید و این نقطه را «برشیت» یا «آغاز» نامید. نخستین کلمه از ده کلمه که جهان به وسیله آنها آفریده شد. همچنین «خداآنند گفت تختین است که خداوند آفرید و نوری است

آن مفهوم کاملاً عرفانی داده‌اند خط عبری از خطوطی است که توانسته در ملت مذهبی اقوامی با پیش زمینه‌های فکری و دینی این چنین مستحیل شود خطی که در طول قرن‌ها پراکندگی قوم یهود توانسته نماد هویت ملت یهود قلمداد شده و حتی در برخی کشورها با زبان‌های ییدیش و یا لادینو مورد استفاده قرار گیرد نیاز به نگهداری و حفظ کلام مقدس تورات همواره از دل مشغولی‌های دین یهود بود به طوری که «براساس نوشته‌های تلمود حذف یا اضافه کردن یک آوا به معنی ویران ساختن تمام جهان است» (گاور، ۱۳۷۶: ۱۱۶).^۶ این یهود کاتبان مبدل به کارشناسانی شدند که کار نگارش طومارهای تورات را به عهده داشتند و از دید نظری هر یهودی باید برای خود توراتی بنویسد حتی برای نگارش تورات کاتبانی بودند و قوانین سختی وضع شده بود و کاتب حق نداشت مطلب را از حفظ بنویسد و حتی باید قبل از شروع به کار غسل کند و در حالتی از خلسه قرار گیرد تابتواند نام خدا را بر قلم آورد در کتاب شولحان عاروخ جلد ۱ در باب قوانین کتابت خط عبری توضیحات مفصل درباره آداب کاتب شرح داده شده است که بی شbahat به مراسم آیینی کتابت خوشنویسی نیست^(۶) و همچنین در کتاب شرعیات دین یهود بخشی به قوانین نگارش سفر تورات اختصاص یافته که تماماً نشان‌دهنده وظیفه مهم و الهی کاتبان خط عبری است. اعتقاد به اهمیت ویژه اسماء الهی از حرف الفباء عربی اضافه می‌شود این اثر عرفانی درباره مسائل کیهان‌شناسی است و فلسفه بنیادی آن برایه مثل افلاطون بنا شده و در آن از نقش حروف عبری در آفرینش جهان صحبت می‌کند و بیان می‌دارد که حروف عبری در افلک و روح خدا نقش بسته و از این طریق کائنات شکل گرفته است برخی از دانشمندان یهود خود را وقت عرفان یهود کردند و تفسیر آنها بر کتاب سفر یصیراً نشان می‌دهد زبان انسان‌ها مربوط به زبان الهی است مفسران عرفان نظری یهود در آن پیرزاده «هر یک از نویسه‌های عبری ذات مطلق است و قابل تأمل و عبادت می‌باشد اثر مشهور او (حکمت الحروف) است و در این اثر نشان می‌دهد هر یک از نویسه‌های عبری نمایان گر دنیابی است و عرفان باید به تأمل در آن پیرزاده زیرا اگر در خواندن اشتباه شود عضو عضوی از بدن انسان همانه‌گ بوده و به این جهت باید مراقب بود تا هر حرف در جای خود قرار گیرد زیرا اگر در خواندن اشتباه شود ناظر بر آن بدن جدا شده و یا فلچ می‌شود» (همان: ۲۳۶) اثر مشهور عرفان یهود (سفر یصیراً) است که در قرون ۲ و ۳ م در بابل تالیف شد و تاثیر عرفانی این دین را منعکس می‌کند این کتاب با تفکر یهود ارتباط دارد و بخش

اول آن در رابطه با ۳۲ طریق مخفی حکمت است که توسط آن خداوند جهان را خلق کرد و به آن (ده سفیروت) گویند که به منزله اسماء الهی از حرف الفباء عربی اضافه می‌شود این اثر عرفانی درباره مسائل کیهان‌شناسی است و فلسفه بنیادی آن برایه مثل افلاطون بنا شده و در آن از نقش حروف عبری در آفرینش جهان صحبت می‌کند و بیان می‌دارد که حروف عبری در افلک و روح خدا نقش بسته و از این طریق کائنات شکل گرفته است برخی از دانشمندان یهود خود را وقت عرفان یهود کردند و تفسیر آنها بر کتاب سفر یصیراً نشان می‌دهد زبان انسان‌ها مربوط به زبان الهی است مفسران عرفان نظری یهود در آن پیرزاده «هر یک از نویسه‌های عبری ذات مطلق است و قابل تأمل و عبادت می‌باشد اثر مشهور او (حکمت الحروف) است و در این اثر نشان می‌دهد هر یک از نویسه‌های عبری نمایان گر دنیابی است و عرفان باید به تأمل در آن پیرزاده زیرا اگر در خواندن اشتباه شود ناظر بر آن بدن جدا شده و یا فلچ می‌شود» (همان: ۲۳۶) اثر مشهور عرفان یهود (سفر یصیراً) است که در قرون ۲ و ۳ م در بابل تالیف شد و تاثیر عرفانی این دین را منعکس می‌کند این کتاب با تفکر یهود ارتباط دارد و بخش

Zohar ۴ - با تشکر از توضیحات دکتر حمامی لامزار کارشناس دین یهود از انجمن کلیمان تهران.
۵ - Simya علم اسرار و خواص حروف است آنها برای حروف چهار طبع با خاصیت برشمردن و شامل «آتش - مو - آب - خاک» است و جون نامها از حروف ساخته شدند پس آن ۴ طبع در اسامی به طور پنهان داخل شدند و به این طریق اسامی‌ها در عالم طبیعت نفوذ کرده و به شما بگیری که می‌توان به آن نقوص ربانی گفت در عالم طبیعت تصرف می‌کردد (خیاوی، ۱۳۷۹: ۳۷۹).
۶ - برای مطالعه بیشتر نک: (خیاوی، روشن، ۱۳۷۹: ۴۰-۴۱).
۷ - در این کتاب آمده است: نویسنده تورات باید کتابی در مقابله خود داشته باشد و از روی آن بنویسد و قبل از تکلش هر کلمه باید آن را بایان خود نگفته کند و بخواند و ... تباید هیچ حرفی به حرف دیگر چسبید و در یک کلمه حروف نباید از هم فاصله زیادی داشته باشد. سفر تورات باید روی پوست حیوان حلال پوست نوشته شود و ... باید با مرکب مخصوص نوشته شود و ... نباید اسم هیچ کدام از پنج کتاب را روی سفر تورات نوشته و طول هر سطر نباید کمتر از ۳۰ حرف و با بیشتر باشد و ... حق پاک کردن نام اعظم را ندارد و ... قبل از تکارش باید بگوید: اینک خود را روح آماده کنم که نام اعظم را با قدوسیت بنویسم کلمات را ناقص نویسد و ... نباید کلمات را المس کند و ... نباید تاجها و زنگ‌های طلا که برای تزئین تورات است به مصرف دیگر رساند و ... تمام ایزار نگارش تورات باید تقدیس شود و نباید در جای دیگری استفاده شود و ... برای مطالعه بیشتر نک: (شرعيات دین یهود / هارو یدبیدی آذر احیان / جاپ بروکلین)، ۷ - نک (آموزت. پیغم. ۱۳۸۳)، «اندرز پدران: رساله تلمود»، نشر انجمن کلیمان تهران، تهران.

پاورقی
۱ - برای مطالعه بیشتر نک: (کاویانی، شیوا، ۱۳۷۲: «آین قبلا... نشر فاروان، تهران).

ויה נמי אושורוש הא אושורוש המלך מהרווער נוש בען
ועשרים ומאה מרדינה כימים הרים נשנת המלך אושורוש עלי^۷
בasa מלכיתו אשר כישון הבירה נשנת שלוש למלכו עשר
משחה לכל שרוועדריו חיל פרס ומלכי הפרט נדולתו
לפיוו בהראת את עשר כבוד מלכיתו ואת לר תפארת נדולתו
מים רבי שמהנים ומאת ים ונמלואת חיים האה עשה המלך
לכל הלאם גנמאנים בישוין הבירה למינדי וער קטן משחה
שבעת ים בזעיר גנט כיון האלך לזר כרפס ותכלת אוזו בחכוי
כדי וארטמן על גליל כסא ועמוו יש מטבח האב וכספה על ריצוף
ברשת ושבש ורשות והשכות בכל צהוב וכליים מכלים שולדים
וין מלכיות רב כיד המלך והשתיה כתה אין אנס כיון יסיד המלך
על כרכוב ביטו לעשות כרען איש ואיש נס ושות
אל מלכה עשתה משתח נשים ביה המלכות אשר למוכן מותא חרבנער
מוש השבוי עכוב לב המלך כיון אמר למוכן מותא חרבנער
בנט ואבנטא אור ורכס שכעתה הסריסים אל משרותם את פני
המלך אושורוש להכיא את ושתי המלכות לפני המלך נסחד
מלכיות להראות העמים והשרים את יפה לשובת מראה ריה
התמא המלכה ושתיל לבוא בדור המלך אשר כיד הטריסים וקונט
המלך באוד וחתמו בעלה ני ואמר
המלך לוחמים יהשי העזום כיון ריבר

خوشنویسی عبری هنر مقدس و سنتی آیین یهود

(بخش آخر)

مریم فدایی

مقدمة :

هنر نگارش در برخی از اعتقادات دینی ملت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. مانند اسلام که در محدوده هنر دینی برای تجسم بخشی به کلام الهی به کار رفت و به عنوان هنر مقدس پذیرفته شده است. نگارنده در این مقاله سعی دارد تا با استفاده از عواملی که توانسته به هنر خوشنویسی اسلامی بار تقدس دهد مانند مباحث کلامی - حرف و عدد و قلم که در قرآن کریم به آن اشاره می‌شود تقدس خوشنویسی یهودی را مطرح و بررسی کند. با توجه به این که موضوع کلام الهی، مستله‌ی اصلی هنر مقدس در چهارچوب هنرهای دینی است و همه‌ی ادیان معتقدند خداوند جهان را با کلام خود آفرید و هر آن چه هست مظاهری از اوست پس شرایطی برای هنرمندان دینی فراهم آورد تا در تجسم یا تجلی این کلام از لی از صورت‌های متفاوت هنری مطابق با ماهیت دینی‌شان که به چه میزان توانسته‌اند به این مورد تحقق بخشنند، استفاده کنند.

کتابت حروف عربی از این قدادست
برخوردار باشد. پیدایش حروفی که با
تکوین هستی و آفرینش الهی رابطه‌ی
مستقیمی دارد و آن را مقدس می‌دانند.
در اندیشه‌ی یهود، خداوند به عنوان
عقل الهی در تمام آفریده‌ها حضور دارد
و با نام «یهوه = نام ذات خدا» بیان
می‌شود تمام تفکرات آن ها براساس دو
نام مقدس «یهوه - الوهیم» شکل
گرفته‌است و معتقدند خداوند عالم را با
این دو اسم آفریده و هر چه هست تماماماً
تجلى نور واحد خداوند است. از نظر آنان
تمام حقیقت اصلی خلقت در خدا انجام
می‌گیرد و این خلقت از «هیچ» آغاز
می‌شود و به آن «إن سُوفَ يَا لِيَتَاهِي»
= هیچ از نظر مادی = اسم الهی
می‌گویند. در اندیشه‌ی یهود «هیچ از
نظر مادی» همان نقطه‌ی اسرارآمیزی
است که منشاء هستی و به منزله‌ی
نقطه‌ی آغازین برای خلقت است و اولین
کلمه‌ی کتاب مقدس تورات از آن
صحبت می‌کند. همان طور که بیان شده،
اراده‌ی خداوند به عنوان امر الهی عامل

حقیقت» می‌تواند با اجرای دستورالعمل‌های آیینی و با هنرهايی مانند معماری -خوشنویسی به عنوان هنر مقدس تحقق یابد یا در هنر مسیحی هرگونه آفرینش هنری براساس تجسس کلام الهی در قالب مسیح قابلیت ظهور و هدایت بیابد اما در هنر یهود گرایش تنزیه‌ی هنر باعث شده تا فقط



در اندیشه‌ی یهود، خداوند به عنوان عقل الهی در تمام آفریده‌ها حضور دارد و با نام «یهوه = نام ذات خدا» بیان می‌شود تمام تفکرات آن ها براساس دو نام مقدس «یهوه - الوهیم» شکل گرفته است و معتقد‌ند خداوند عالم را با این دو اسم آفریده و هر چه هست تماماً تحلیل، نور واحد خداوند است

بنا به اعتقادات عرفانی اسلامی حروف از نقطه‌اند و اولین حرف «الف» است و کتابخانه سنتی معتقدند حروف همان تعیینات نفس الهی‌اند که از ازل صادر شده‌اند و اگر بخواهیم «نقطه» حرف-کلام... خوشنویسی ادیان را با تفکرات اسلامی مورد مقایسه و تحلیل قرار دهیم، می‌باشد است به همان اصل بنیادی اندیشه (کن) بپردازیم که به خالقیت و امر الهی اشاره می‌کند زیرا حروف زمینی تجسمی از حروف الهی‌اند و خداوند به‌واسطه این حروف الهی داستان آفرینش را بر لوح هستی نوشته‌است و انسان به عنوان نسخه‌ی رونوشتۀ‌ای از صورت خداوند جزئی از این انسان کبیر «عالّم» به‌شمار می‌آید که با کلمه‌ی نخستین الهی ارتباط مستقیم دارد. این معانی در اندیشه‌ی دینی همه ادیان وجود دارد و رسیدن به مبدأ توسط هنر «با منشاء ازلی‌اش» به اشکال متفاوتی صورت گرفته است که با ماهیت هنر دینی آن‌ها مطابقت دارد. یعنی که در هنر اسلامی «رسیدن به

اصلی آفرینش گردید و به شکل «کلمه‌ی نخستین = کن» و حتی به شکل «فرشته‌ی وحی» پیام الهی را از قوه، به فعل درمی‌آورد این جمله مشابه مرتبه‌ی احادیث به واحدیت اسلامی است که اعیان ثابت‌هشکل می‌گیرند و در این مرحله امر خداوند «نور الهی» به صورت «کلام الهی» یا روح اعظم = حقیقت محمدیه در اندیشه‌ی اسلامی به تمام خلائق جان می‌دهد زیرا در سفر پیدایش آمده: خدا گفت بشو و عالم خلق شد روح خدا یا نفس او به همه‌ی آفریده‌ها موجودیت بخشید. این روح اعظم الهی در کلام مقدس یهود لقب «شخینا» گرفت و آن به هستی حیات داد و روح اعظم اولین امر خدا به عنوان اولین تعین پنداشته می‌شود و به منزله‌ی نور مخلوق و اولین خلق الهی است و در شریعت یهود به آن «روح القدس = شخینا» می‌گویند. در کتاب زوهر بیان شده است زمانی که اراده‌ی خدا بر این شد تا کائنات را خلق کند «ان سوف» = «عقل الهی» از نور در خود تاریکی ایجاد کرد و «ان سوف» در این مرحله به منزله‌ی نقطه‌ای است که هیچ چیز به آن راه ندارد و ورای آن را «رشیت» گویند که «کلمه‌ی اول» کتاب مقدس را به وجود می‌آورد. این کلمه‌ی اول همان «باش = کن» اسلامی یا لوگوس مسیحی است و معادل اولین سفیروت یا تعین اول «ان سوف» است. از آن سوف در مرتبه و احادیث، سفیروت‌های دیگر به مشابه‌ی دیگر اسماء الهی تجلی یافتند و همگی ۱۰ جلوه‌ی نورانی اند و با دو دسته‌ی مذکور و مونث با آمیزش خود عالم را خلق کردند. این «دو وجه مذکر و مونث اسماء الهی یهود = سفیروت‌ها» می‌توانند معادل «قلم و لوح = عقل و روح» اسلامی باشد عقل و روح الهی از طریق دو دسته سفیروت «مذکر و مونث» به عالم می‌رسند و به منزله‌ی



درک اسماء او می‌بایست به مقام انسان کامل رسید و «صورت کبیر» داشت داشتن چنین صورتی یادآور صورت خداوندی در تفکر اسلامی است و معادل حقیقت کلام الهی یا حقیقت محمدیه است. در آن‌دیشه‌ی یهود، برخی رسیدن به مرحله‌ی انسان کامل «آدم قدمن» باید به مجموعه‌ی ۱۰ سفیروت الهی آگاه شد. مجموعه‌ای که معادل انسان کامل = کلمه‌ی ... اسلامی = لوگوس و برابر با لفظ «شخینایی» یهود است. شخینا معادل نور در آن‌دیشه‌ی ایرانی اسلامی است و در تفکر یهود با عنوان «روح الهی» بیان می‌شود و قابل مقایسه با صفت «الرحمان» اسلامی است و در آن‌دیشه‌ی اسلامی، «ن» حرف اول نور است و از پیامبر نقل کردند: «اول چیزی که خدا منتقل کرد نور بود و این نور از همان «ن» الرحمان به دست می‌آید و به کلمه‌ی نخستین «بسم ا...» رجعت دارد. شخینا، وجه مرئی خدا در آن‌دیشه‌ی یهود محسوب می‌شود و بهمنزله‌ی تعین اول یا صادر اول است «تعین اول» که در اسلام به آن «حی - روح» گفته‌اند همان قلم الهی است و همه‌چیز توسط آن بر لوح نگارش گردید و حروف عبری بخشی از این تعین الهی محسوب می‌شوند. کاتبان یهود معتقدند انسان نسخه‌ای از خطنوشته‌ی الهی است و تمام حروف با عالم مطابقت دارند و معانی باطنی حروف عبری برپایه‌ی الوهیت بنا شده‌است و این حروف به لحاظ تاثیرگذاری معنوی خود بر تمام افعال انسانی و موجودات عالم، ارزشی قدسی دارند و از تجلی همان سفیروت (اسماء الهی) به دست می‌آیند و بهاین لحاظ نگارش حروف متون مقدس تورات بهمنزله‌ی تجسس بخشی به «نورخداوند» بر صحفات مادی پنداشته می‌شوند و برای آن‌ها قداست دارد، زیرا حروف عبری بهمنزله‌ی «نور الهی = شخینا» از عالم ملکوت صادر

کتاب سفر یصیرا بیان شده‌است و بخش‌هایی از آن در فصل خوشنویسی یهود بیان گردیده است. یهودی‌ها معتقدند حروف عبری در دو لوح ده فرمان از جانب خداوند نازل شده‌است و

زوج‌های ازلی در ۴ مرتبه عالم را تکوین می‌دهند «عالم نور = عالم واحدیت» - «عالم خلق = عالم ملکوت» که سرشار از شخیناست - «علم تکوین = عالم ارواح و مثل» - «علم محسوس = عالم

ناسوت» اولین مرتبه‌ی این سوف همان «اسم الهی یهود» است گه به آن «دیهیم یا کتر» گفته‌اند و در آن‌دیشه‌ی عرفانی یهود، اعتقاد دارند خداوند خودش تاج پادشاهی یا دیهیم را بر سر حرف «آل» قرار داد و به او گفت تو پادشاه و سرور همه‌ی حروف عبری هستی (من، تو و تورات یکتا هستیم) در حالی که خداوند با دومین حرف عبری تورات را آغاز کرد و جهان را با حرف دوم الفبای عبری آفرید، «آفرینش با تو آغاز شود» کتاب تورات با حرف دوم شروع می‌شود. هم‌چنین با ظهور اولین اسم الهی یهود از «إن سوف» = «هیچی»، خداوند اراده کرد تا آفرینش را صورت دهد و این خالقیت را با کلام نخستین معادل «ریشیت» = کلمه‌ی اول صورت تحقق بخشدید. این کلمه‌ی اول همان « نقطه‌ی نخستین » در هیچی است و منشا هستی می‌باشد و اولین کلمه‌ی کتاب تورات و نخستین کلمه از ۱۰ کلمه‌ای است که جهان توسط آن آفریده شد این ۱۰ کلمه همان اسماء الهی یهود یا ۹ سفیروت به همراه «إن سوف = هیچی» است و معادل «اسم ذات خدا» در مرتبه‌ی احادیث می‌باشد و بنایه‌ی آن‌دیشه‌ی اسلامی می‌توانند برابر با اسم ا... اسلامی باشد که همه‌چیز با آن آغاز شده‌است و به گفته‌ی دکتر نصر اسماً اعظم ... اسلامی = اسم لوگوس = کن اسلامی و منشاء عالم و عقل کل بدن می‌باشد. سفیروت‌ها به معنای دایره یا مدار، ویژگی‌های غیر مادی و مادی را به وجود می‌آورند و حرف (سامخ) عبری یا شکل دایره‌ای معرف تمامیت حضور خداوند و تشانه‌ی نظارت او بر جهان است. معانی باطنی حروف عبری در



می‌توان خدا را در میان کلمات و حروف عبری دید و تورات به منزله‌ی نمادی از قدرت خلاقه‌ی خداوند است که در عالم فعال است. زیرا به نظر آن‌ها هرچه حیات دارد تجلی کلام خداست و برای درک ذات الهی باید از خودشناسی شروع کرد و نام اسماء الهی را به درستی درک نمود و آن کس که بتواند تا ۳ سفیروت اولیه را درک کند، به مرتبه‌ی «احدیت = نقطه‌ی ازلی، هیچی» رسیده‌است. مرتبه‌ای که جامع تمام صفات حق می‌باشد در مرتبه‌ی واحدیت صفات خدا متجلى می‌شود و برای ارتباط با این مرتبه و نمود



می شوند و شخینا حامل وحی است و با تشعشع انوار خود به نام فرشته مططرُون خود را تحلی می دهد. شخینا یا نور الهی اولین تعین خدا «وحی-روح» محسوب می شود و برابر با اولین تعین خدا در اندیشه‌ی اسلامی است و به آن روح و عقل گویند. این روح در وجود حضرت رسول اکرم (ص) در بدو آفرینش بهانه‌ی خلقت گردید و از روح او موجودات دیگر خلق شدند. در اندیشه‌ی یهود روح اعظم الهی یا شخینا، صورت متجلی خداوند و به منزله اولین تعین می باشد. این روح اعظم به نوعی به لفظ «عقل الهی» تعبیر می شود زیرا خدا، اول چیزی که آفرید روح بود، عقل بود و از این روح یا عقل، قلم به وجود می آید. به نظر نگارنده این قلم یا عقل الهی همان روح اعظم الهی یهود شخینا است که از عالم ملکوت، حروف الهی را هر قالب کلمات مقدس هریان یهود منقل نمود و می تواند عادل لفظ «کلمه‌ی...» = لوگوس یا «کن» باشد. قلم در سنت یهودی معادل حکم اعظم (جبرئیل) متعلق به قلمرو میباشد. قلمرویی که حروف عبری

یجاد کند و بدین وسیله تمام هستی به منزله‌ی حروف و عدد باشند، چیزی که بعدها پایه‌گذار اندیشه‌ی حروفیه - نقطویه - عددیه و علم ابجد و جمل شد. تمام مبانی اعتقادی مربوط به منشاء هستی و کلام الهی در حروف عبری گنجانده شده است و متفکران آن عقیده دارند تمام جهان از حروف عبری ساخته شدند و جهان به صورت روح و ماده، ترکیبی از این حروفند و عناصر چهارگانه طبیعت، ترکیبی از حروف عبری هستند و دانش حروف همان تصرف نفس ریانی در عالم طبیعت پنداشته می‌شود که فقط با درک اسماء الهی می‌توان به آن دست یافت. یهودیان به حروف عبری جنبه‌های نمادین و سری دادند که با فهم آن می‌توان به راز

ین کتاب منشاء کلمات را از کلام خسhtین دانسته‌اند و کلمات و حروف وشتاری را صورت مجسم همان کلمات مقدس الهی می‌دانند. در کتاب اندرز بدран دین یهود که تعلیماتی درباره‌ی آیات تورات است نوشته می‌شود، خداوند جهان را با ۱۰ فرمان الهی آفرید و یکی از چیزهایی که خدا در غروب روز ششم خلقت آفرید «حروف الفباء - خط الواح سنگی» است و خط روی الواح خط پروردگار بود. به نظر یهودیان، تورات وارث ملکوت نورالهی است و از ۵ چیزی که به خدا اختصاص دارد اولین آن (تورات) است نحوی اندیشه در باب تقدير حروف و کلام عبری سبب گردید تا معانی باطنی حروف اتحاد و یوسوستگی میان دو عالم صغیر و کبیر را

حرروف دینی است و این عمل باید روی اصول صورت گیرد تا منجر به اتحاد انسان با شخينا شود. زیرا عمل نگارش حرروف عبری به منزله‌ی تمرینی برای خویشن‌شناسی محسوب می‌شود. شخنا همان روح اعظم الهی یا فرشته وحی است و برابر با خویشن‌الهی محسوب می‌شود پس در این راستا کاتب یهودی نیایش را به جا آورده و نماز می‌خواند و هدف‌رسیدن به مبدأ ازلی با نگارش حرروف عبری است. کار خوشنویسی متون مقدس در گذشته برای کتابخانه‌ی منزله‌ی نوعی نیایش محسوب می‌شد و آن را به منزله‌ی اتحاد با خویشن‌الهی می‌دانستند. در نتیجه آداب و مناسکی برای آن وضع کرده بودند که در بخش بررسی علل تقدس خوشنویسی یهود به آن اشاره شد. کاتب یهودی به منزله‌ی بشری که از صورت الهی برخوردار است سعی می‌کند تا با نوشتن کلمات خداوند هم به راز کائنات پی برد و هم نشانگر و نماد ۱۰ اسفیروت یا اسماء الهی باشد. پس در آداب کتابت حرروف عبری چهار مرتبه‌ی آیینی را در نظر می‌گیرد که مراحل تعالی و معنوی و روحانی او محسوب می‌شود. اتحاد با این چهار مرتبه، نشانگر حقیقت کل است، حقیقتی که در وجود شخص جهانی مبتلور شده‌است و می‌تواند با حرروف و کلمات ازلی انسان صغیر را به انسان کبیر پیوند دهد. کاتب یهودی در لحظه‌ی نگارش از جهان دیگر پرده پروردی دارد و حالت او عرفانی و خلسه‌وار است، او در این مرتبه در شور و اشراق باطنی قرار گرفته و قلم در دستش قلم کیهانی است. او می‌باشد با قلم خود از عالم حس عبور کند، در حالت خلسه از عالم روح و مثال الهام گیرد و سپس در عالم مملکوت به حقیقت ازلی معرفت یافته تا بدین‌وسیله با نور الهی «شخينا» به قلمرو نور بی‌پایان قدم بگذارد تا سرانجام به حقیقت نخستین «خویشن‌الهی» باقاعدۀ عمل کند، زیرا نگارش این برسد.



تجلى نور که با آن همه چیز در عالم ماده و روح تکوین یافت، عالم مملکوت برای کتابخانه‌ی یهود ارزش بیشتری دارد، زیرا این عالم مخزن شخینای الهی یا وحی الهی است، چون کاتب برای دستیابی به حقیقت ازلی می‌باشد با طریقت یهود، احکام شریعت یهود را دنبال کند تا به حقیقت یهود برسد و این حقیقت همان دستیابی به خویشن‌الهی می‌شود، بلکه زیرا حضور خداوند در تمام خلقت همان درک شخینا است و این همان نقطه‌ای است که به خویشن‌شناصی الهی یهودی منجر می‌شود و مرحله‌ای است که انسان به عمیق‌ترین درک وجودی نائل می‌شود. نهایت این حرکت عارفانه، به منزله‌ی رسیدن به مقام انسان کامل یا آدام قدمون است. در نتیجه خوشنویسی یهودی می‌باشد برای کتابت کلام الهی به نظر نگارنده، در مراتب چهارگانه‌ی